راه اینجاست!

۳ ویژگی مجالس عزاداری

بیان ماجرای عاشورا، فقط بیان یک خاطره نیست بلکه بیان حادثه‌ای است که - همان‌طور که در آغاز سخن عرض شد- دارای ابعاد بیشمار است. پس، یادآوری این خاطره، در حقیقت مقوله‌ای است که می‌تواند به برکات فراوان و بیشماری منتهی شود. لذا شما ملاحظه می‌کنید که در زمان ائمه(ع)، قضیه گریستن و گریاندن برای امام حسین(ع)، برای خود جایی دارد. مبادا کسی خیال کند که در زمینه فکر، منطق و استدلال، دیگر چه جایی برای گریه کردن و این بحث‌های قدیمی است! نه! این خیالِ باطل است. عاطفه به جای خود و منطق و استدلال هم به جای خود، هر یک سهمی در بنای شخصیت انسان دارد.

در مجالس عزاداری ماه محرم، این سه ویژگی باید وجود داشته باشد: ۱- عاطفه را نسبت به حسین‌بن‌علی و خاندان پیغمبر(ع) بیشتر کند. (علقه، رابطه و پیوند عاطفی را باید مستحکم‌تر سازد) ۲- نسبت به حادثه عاشورا، باید دید روشن و واضحی به مستمع بدهد. ۳- نسبت به معارف دین، هم ایجاد معرفت و هم ایجاد ایمان- ولو به نحو کمی- کند. نمی‌گوییم همه منبرها باید برخوردار از همه این خصوصیات باشند و به همه موضوعات بپردازند؛ نه. شما اگر یک حدیث صحیح از کتابی معتبر را نقل و همان را معنا کنید، کفایت می‌کند.

۱۷ خرداد ۷۳

دانشگاه چه خبر

بازگشت چراغ خاموش دانشجونماها با تأیید وزارت علوم

طی سال‌های اخیر تعدادی از افرادی که تحت عنوان دانشجو فعالیت‌های خاص را انجام می‌دادند، از کشور گریخته بودند ولی جعفر توفیقی فضایی را فراهم کرد تا این افراد با مراجعه به «غ» مشاور عالی وزارت علوم پیگیری‌های لازم برای بازگشت را انجام دهند و تاکنون حدود ۵۰۰ نفر در این رابطه خواستار ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها شده‌اند. با وجود اینکه توفیقی گفته بود ما ۴۰۰ دانشجو را بازگردانده‌ایم، اخبار موثق حکایت از آن دارد که تاکنون ۲۴۰ نفر از این افراد با نامه تحکمی توفیقی به رؤسای دانشگاه‌ها، موفق به ثبت‌نام شدند و پرونده ۲۶۰ نفر باقی مانده نیز در کمیسیون عالی وزارت علوم مفتوح است. قابل ذکر است برخی از این افراد به دلیل اینکه مدت تحصیل‌شان در مقطع کارشناسی به ۱۰ سال رسیده قادر به ادامه تحصیل نمی‌باشند.

آغاز پذیرش دانشجو بدون کنکور

رئیس سازمان سنجش درباره مرحله جدید پذیرش بدون آزمون دانشجو برای نیم‌سال دوم امسال گفت: براساس مصوبات کارگروه ماده ۴ کنکور، پذیرش بدون آزمون در دو مرحله و در ماه‌های مرداد و دی هر سال صورت گرفته و درباره رشته‌های بدون آزمون در زمان ثبت‌نام از داوطلبان اطلاع‌رسانی می‌شود.

وی ادامه داد: تا پیش از آغاز ثبت‌نام کنکور سراسری در شانزدهم آذر، اسامی رشته‌های بدون آزمون در دانشگاه‌های کشور به اطلاع داوطلبان می‌رسد. خدایی همچنین افزود: این احتمال وجود دارد که تعداد رشته محل‌های بدون آزمون افزایش یابد زیرا طبق قانون میزان پذیرش بدون آزمون طی پنج سال باید به سقف ۸۵ درصد برسد، در حالی که اکنون میزان پذیرش بدون آزمون به ۵۶ درصد رسیده است.

نقض مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط میرزاده

سرپرست دانشگاه آزاد طی احکامی اعضای هیئت امنای استانی این دانشگاه را عزل کرد، این در حالی است که بر اساس آیین‌نامه شورای عالی انقلاب فرهنگی حکم این افراد چهار ساله است اما سرپرست دانشگاه آزاد در ۵۵ روز از فعالیت خود بیش از ۶۰ نفر از این افراد را طی نامه‌ای برکنار کرده است.

تحلیل هفته

زینب اعلمی*

خانواده‌زدایی دانشگاه‌ها را غمبار کرده است

عکس: جوان

■ همانگونه که مظاهر و نمادهای ظاهری هر فرهنگ و ملتی متأثر از اندیشه‌ها، باورها و هنجارهای همان ملت است و به نوعی دربستر تاریخی آن ملت شکل گرفته است، دانشگاه نیز نمود بارزی از بستر فرهنگی و تاریخی غرب و مدرنیته است. اگرچه بررسی‌ها نشان می‌دهد که مراکز علمی مهمی چون جندی شاپور در ایران قبل از اسلام و دانشگاه الازهر مصر در سالیانی پس از حضور اسلام و شیعیان در این کشور از جمله اولین دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت در جهان بودند اما واقعیت این است که آنچه امروزه براساس ساختار آموزش عالی کشور ما و دیگر کشورهای جهان دانشگاه نامیده می‌شود برگرفته از سیستم و ساختاری است که مبانی فرهنگی و ساختاری غربی در آن حضور و نفوذ گسترده‌ای دارند.

بسیار شنیده‌ایم و به این مسئله برخورده‌ایم که کارکردهای یک پدیده لزوماً برخاسته از اهداف مدنظر برای آن پدیده نیست، یعنی زمانی ما تصمیم به انجام کاری می‌گیریم و هدف مشخصی را دنبال می‌کنیم اما در کنار رسیدن یا نرسیدن به آن هدف تغییرات زیاد ناخواسته‌ای را ایجاد می‌کنیم. به نظر می‌رسد ایجاد و شکل‌گیری دانشگاه‌ها در ایران و کشورهای مشابه آن نیز همین وضعیت را در پی داشته است. چنانکه پس از ورود ساختاری مانند دانشگاه‌ها در وضعیت نظام آموزشی کشورمان، شاهد تغییرات محسوس و نامحسوس فرهنگی بسیاری بودیم.

یکی از این تأثیرات کمرنگ کردن نقش خانواده‌ها در ارتباط‌گیری با فرزندان خود پس از ورود به دانشگاه‌ها است. در واقع این گسست فرزند به عنوان دانشجو و ساختار دانشگاه از خانواده می‌تواند ناشی از این رویکرد و سبک زندگی باشد که فرزند غربی را در سن ۱۸ سالگی به طور جدی از خانواده جدا کرده و دیگر او را تحت نظارت خانواده تعریف نمی‌کند. یکی از نمودهای این مسئله در نظام آموزشی و نبود جایگاهی برای خانواده‌ها در سیستم تحصیلات بعد از مدرسه است.

اگر بخواهیم نگرشی کلی به سبک زندگی ایرانی- اسلامی داشته باشیم این حقیقت گریزناپذیر است که خانواده نقش حیاتی و عنصر اساسی این سبک زندگی خواهد بود، چنان که رویکرد سنتی و اسلامی در ایران از بدو تولد تا گذر مراحل تحصیلی مختلف نیاز حیاتی فرد به بستر خانواده را مورد تأکید قرار می‌دهد، همچنین از مشاوره و راهنمایی برای ازدواج گرفته تا مراحل پایانی عمر، بشر را موظف به قدردانی و خدمت به والدین و خانواده خود کرده است. این در حالی است که روند خانواده‌زدایی از زندگی افراد در سبک زندگی غربی ریشه‌ای چندین ساله دارد که مبتنی بر درک نادرست و غیرخدا محورانه مدرنیته می‌باشد، این همان معضلی است که در سالیان اخیر بسیاری از کشورهای غربی را دچار بحران خانواده کرده است و مسئله از طلاق و تک‌سرپرستی و فرزندان نامشروع گذشته است و اکنون آنها را درگیر ایجاد و تشکیل مجدد زندگی مشترک خانوادگی کرده است.

وضعیت کنونی خانواده در غرب، آینده غمبار ما خواهد شد، اگر مراکز دانشگاهی و همچنین دیگر مظاهر وارد شده از غرب به بازسازی مجدد و ریشه‌ای خود نپردازند و خود را با سبک زندگی اصیل ایرانی پیوند ندهند، البته این مسئله منحصر در دانشگاه‌ها نیست و در بسیاری از مظاهر وارد شده از غرب به ایران خود را نشان داده است از جمله آنها ایجاد مهدکودک‌ها و در همین مسیر خانه سالمندان از بارزترین مراکز خانواده‌زدایی از فرد و جامعه است.

بیایید از زاویه‌ای دیگر به این مسئله نگاه کنیم، شما به عنوان یک خانواده متعهد به تربیت فرزندان خود، آنها را تا دوره قبل از مدرسه کاملاً تحت نظر و تربیت دارید و پس از وارد شدن به مدرسه با ارتباطی غیرمستقیم‌تر از طرف مسئولان مدرسه و معلمان آنها از وضعیت روحی و تحصیلی فرزند خود آگاه شده و به نوعی دائماً با آنها در ارتباطید، فرزند شما به خوبی این مراحل را پشت سر گذاشته و اکنون در دانشگاهی در شهر خودتان یا در شهرستانی دیگر قبول شده است و شما اگرچه طی این زمان روحیه استقلال و مسئولیت‌پذیری را برای او ایجاد کرده‌اید اما به یکباره ارتباط میان شما و مرکز تعلیم و تربیت فرزندتان قطع می‌شود و هیچ راه ارتباطی جز راه‌های مستقیم فردی برای آگاهی شما از وضعیت فرزندتان باقی نمی‌ماند، به راستی این روند آسیب‌زا نیست؟

آیا نمی‌توان گفت که بسیاری از آسیب‌های روحی و روانی که اکنون در وضعیت دانشجویان به خصوص دانشجویان دور از شهر خود و به خصوص دختران شاهدیم ناشی از خانواده‌زدایی در ساختار دانشگاه‌های ماست؟ و آیا نمی‌توان ادعا کرد در ساختار دانشگاه جایی برای خانواده در نظر گرفته نشده است و به دانشجو به عنوان «فرد» نگاه می‌شود و نه عضوی از یک خانواده بزرگ‌تر؟! آیا برخی ازدواج‌های امروزی که نقشی برای مشورت و احترامی برای خانواده قائل نیستند ربطی به این روند خانواده‌زدایی از دانشگاه‌ها ندارد؟ مسئولیت ازدواج‌های شکست‌خورده و طلاق‌های روبه‌افزون کنونی در فضاهای دانشجویی به عهده چه نهادی است؟!

با همه اینها آیا دانشگاه‌های ایران نباید متوجه این مسئله گردند که ارتباط با خانواده‌های دانشجویان می‌تواند نقش مؤثری در روند اصلاحی وضعیت فرهنگی -اجتماعی آنها ایفا کند؟!

بعضی در اینجا ایرادی وارد کرده و می‌گویند بیشتر کردن نقش خانواده‌ها در دوره‌های بعد از دانشگاه مانع از مسئولیت‌پذیر شدن و استقلال در میان دانشجویان می‌شود و آنها را برای همیشه به خانواده‌هایشان وابسته می‌کند. قطعاً این نکته از جمله نکاتی است که همیشه باید برای جلوگیری از افراط در برنامه‌ریزی‌ها مدنظر داشت اما در نظر داشتن این واقعیت که روحیه استقلال داشتن فرزندان و مسئولیت‌پذیر بار آوردن آنها لزوماً با ایجاد یک انقطاع جدی میان تأثیر خانواده‌ها در زمان مدرسه و در زمان دانشگاه تعارضی ندارد نیز برای نیفتادن به دام تفریط کنونی ضروری می‌نماید. باید یادآوری کرد که انتقادات کنونی بیشتر ناظر به سیستم دانشگاهی کل کشور است و اخبار حاکی از آن است که برخی از دانشگاه‌ها ساختارهایی را برای ایجاد ارتباط والدین با دانشجویان ایجاد نموده‌اند و در این راستا گام‌های مثبتی را به تجربه گذاشته‌اند که به نظر می‌رسد با انتقال این تجربیات بتوانیم سیستمی مبتنی بر سبک زندگی ایرانی- اسلامی را در دانشگاه‌های کشورمان برنامه‌ریزی کنیم.

*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی**

> **اگر مراکز دانشگاهی و همچنین دیگر مظاهر وارد شده از غرب به بازسازی مجدد و ریشه‌ای خود نپردازند و خود را با سبک زندگی اصیل ایرانی پیوند ندهند، وضعیت کنونی خانواده در غرب، آینده غمبار ما خواهد شد**

> **آیا نمی‌توان گفت که بسیاری از آسیب‌های روحی و روانی که اکنون در وضعیت دانشجویان به خصوص دانشجویان دور از شهر خود و به خصوص دختران شاهدیم ناشی از خانواده‌زدایی در ساختار دانشگاه‌های ماست؟**

یادداشت

علی محمدزاده*

روایتی از مشکلات پیش روی ۲۵هزار دانشجوی معلول

دانشجویانی که دیده نمی‌شوند

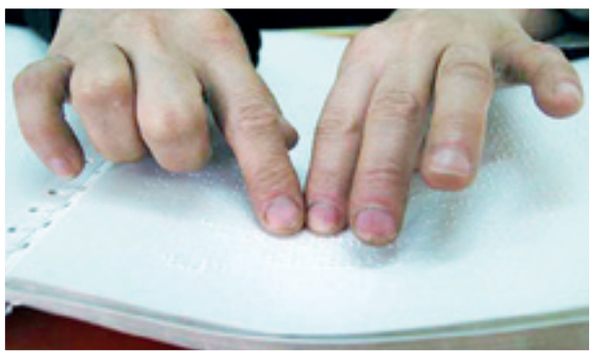

آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که اگر نابینا یا ناشنوا بودید یا مجبور بودید برای رفتن به این‌طرف و آن‌طرف از صندلی چرخدار استفاده کنید، زندگی برایتان چه مفهومی داشت؟ آن هم در شرایطی که امکانات لازم برای زندگی عادی شما فراهم نشده بود.

اغلب ما به قدری مشغول درس و کار و زندگی شده‌ایم که فراموش می‌کنیم در همین دانشگاه یا دانشکده ما افرادی هستند که چنین شرایطی دارند و برای کوچک‌ترین کار روزمره خود، دچار مشکلات عدیده‌ای هستند. در حال حاضر بیش از ۲۵ هزار دانشجوی معلول در مقاطع مختلف مشغول به تحصیل هستند، این رقم شاید در برابر جمعیت ۴ میلیونی دانشجویان کشور آمار قابل توجهی نباشد اما باید به خاطر داشت حق تحصیل در دانشگاه و رشته مورد علاقه را نمی‌توان به بهانه عدم‌مناسب‌سازی دانشگاه‌ها از هیچ دانشجوی معلولی گرفت. اگر با دقت بیشتری به اطرافمان نگاه کنیم و پای درددل دانشجویان معلول بنشینیم، خواهیم دید که مشکلات دانشجویان معلول، مسائل خیلی پیچیده‌ای نیستند. حداقل امکانات ممکن برای یک دانشجوی نابینا این است که بتواند مسیر رفت و آمد خود به مکان‌هایی چون خوابگاه، اتاق، سلف سرویس، دانشکده و کلاس‌های درس را به راحتی تشخیص دهد.

تازه بگذریم از مسجد، کتابخانه و سالن‌های ورزشی و امثالهم اما با کمال تعجب باید گفت که در بسیاری از دانشگاه‌ها- و تقریباً در همه دانشگاه‌های تهران- مسیر رفت و آمد دانشجویان نابینا در معابر و اماکن دانشگاه، معین و مشخص نشده است، در حالی که احداث سنگفرش‌های ویژه نابینایان و ایمن‌سازی مسیرهای رفت و آمد آنها به قدری کم‌هزینه است که بهانه کمبود منابع مالی برای آن بیشتر به لطیفه شبیه است. یک دانشجوی نابینا باید به زحمت زیاد و با کمک گرفتن از ضربات عصا مسیر رفت و آمد خود را چک کند که مبادا چاله‌ای، جدولی، درخت یا چیز دیگری سد راه او باشد. جدای از اینکه احساس ناامنی و ترس مدام از اینکه نکند در خیابان‌های دانشگاه ناگهان خودرویی او را زیر بگیرد، مثل شمشیر دموکلسی است که مدام بالای سر او قرار گرفته و رهایش نمی‌کند. جالب اینجاست که تمام اطلاعیه‌های دانشگاه یا خوابگاه، برای دانشجویان نابینا همانی است که برای بقیه هست! یعنی اگر سری به خوابگاه‌های دانشجویان نابینا بزنید، خواهید دید که اطلاعیه‌های زده شده روی دیوار، به خط بریل نیست!

یا دانشجوی معلولی را تصور کنید که مجبور به استفاده از صندلی چرخدار است، این دانشجو تقریباً باید قید همه امکانات دانشگاه را بزند چراکه به هر مکانی پا می‌گذارد، پله‌هایی که روی کول هم سوار شده‌اند، جلوی ادامه مسیر او را می‌گیرند، حتی اگر معمار ساختمان آقایی کرده باشد و کنار پلکان رمپی تعبیه کرده باشد، شیب رمپ به قدری زیاد است که دانشجوی معلول فکرش را هم نمی‌کند که به تنهایی بتواند از رمپ بالا برود. به فرض که دوست خیرخواهی پیدا شد و دانشجوی معلول ما با کمک او از رمپ گذشت، اگر کلاس درس دانشجوی معلول در طبقات بالاتر باشد و آسانسور درست و درمانی وجود نداشته باشد یا اینکه دکمه‌اش جایی باشد که دست دانشجوی معلول ما که روی صندلی چرخدار نشسته به دکمه نرسد، تکلیف چیست؟ همه این مشکلات تنها مربوط به حضور دانشجویان معلول در اماکن مختلف دانشگاه است که تنها کلاس درس و ساختمان‌های اداری نیست، بدتر از آن مکان‌هایی چون سلف سرویس و سالن‌های مطالعه و مسجد و مانند اینهاست. بگذریم از نبودن سرویس بهداشتی مناسب و مشکلات دانشجویان معلول و نابینا برای حضور در جلسات امتحان و خواندن منابع معرفی شده از سوی اساتید که هیچ‌کدام به خط بریل نیستند و باید کسی منابع را از رو بخواند و برای دوست نابینایش ضبط کند تا او بتواند بعداً فایل صوتی را گوش بدهد و در جلسه امتحان حاضر شود. با این شرایط، نباید از شنیدن این مطلب که از هر ۱۰ معلول دارای شرایط تحصیلی، تنها یک معلولِ دانشجو وجود دارد، شگفت‌زده شد. موضوع دیگر راجع به شهریه دانشجویان معلول است.

براساس ماده ۸ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان که در اردیبهشت سال ۸۳ به تصویب مجلس رسید، معلولان واجد شرایط در سنین مختلف می‌توانند با معرفی سازمان بهزیستی از آموزش رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی بهره‌مند شوند اما یکی از گلایه‌های اصلی دانشجویان معلول، فراموش شدن این بخشنامه، بدقولی‌های بهزیستی در پرداخت شهریه، بدقولی‌های دانشگاه پیام نور و در نتیجه دردسرهایی است که برای آنها و خانواده‌هایشان ایجاد شده است. به نظر می‌رسد علت همه این مشکلات را باید در بی‌تدبیری مسئولان امر جست‌وجو کرد. دانشجویان معلول و مسائل آنها به قدری برای برخی از سیاستگذاران و مجریان کوچک هستند که لابه‌لای بوروکراسی اداری و بیلان کاری‌ها گم می‌شود. فقط و فقط اندکی توجه می‌خواهد؛ توجهی با چاشنی عمل به قوانین مصوب و وظایف محول!

نمونه این قوانین و وظایف، بخشنامه‌ای است که از سوی وزارت علوم در تیرماه سال ۹۱ به دانشگاه‌ها در خصوص فضاسازی برای تردد معلولان جسمی و حرکتی ابلاغ شده اما کمتر به مرحله اجرا رسیده است یا قانون مغفول مانده حقوق معلولان که براساس ماده ۲ آن «تمامی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل کنند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آنها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم شود.»

در خاتمه بد نیست به این مطلب هم اشاره کنیم که معلولیت چیز عجیب و غریبی نیست و ممکن است برای هر فردی پیش بیاید. پس اگر به فکر دیگران نیستیم، لااقل به فکر خودمان باشیم!

*** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی جوانان**

خبر تیتر

- ■ طبیب‌زاده نماینده مجلس: سؤال نتیجه ندهد استیضاح فرجی‌دانا در مجلس کلید می‌خورد.
- ■ بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) برگزار می‌کند: فراخوان اولین کنگره سراسری نقد رسانه ملی.
- ■ گردهمایی بزرگ هیئات دانشجویی استان‌های کشور در روز سه‌شنبه هشتم محرم.
- ■ سرپرست دانشگاه علامه طباطبایی: بازگشت ۱۴ استاد این دانشگاه به معنای بازگشت رسمی و لغو حکم بازنشستگی آنها نیست.
- ■ مخالفت دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز با طرح انتقال آب رود کارون به زاینده‌رود.
- ■ علی خاکی صدیق استاد دانشکده برق: برای پذیرش ریاست دانشگاه خواجه نصیر با بنده صحبت شده است.
- ■ تشکیل شورای راهبردی لباس دانشجویی با عضویت ۷۰ نفر از دانشگاه‌های کشور!
- ■ خالی بودن نیمی از ظرفیت ۳۵۴ دانشگاه و مؤسسه غیرانتفاعی در کشور.
- ■ پس از تصدی سرپرستی وزارت علوم توسط توفیقی: بازگشت یک دانشجو با ۲۰ مورد شکایت اخلاقی به تحصیل.
- ■ کارشناس انجمن‌های علمی وزارت علوم خبر داد: فعالیت ۴ هزار انجمن علمی دانشجویی در سطح دانشگاه‌های کشور.
- ■ محسن هاشمی: عدم افزایش شهریه‌های دانشگاه آزاد در سال‌های گذشته موجب تشدید مشکلات مالی این دانشگاه شده است.
- ■ ثبت‌نام ۳۴۰ هزار دانشجو برای اعزام به عمره مفرده.

زندگی دانشجویی

رضایت مادر

■ اصرار فایده‌ای نداشت. هر کاری کرد، مادرش اجازه نداد بره آبادان. میگفت: «نمیخواد راه دور بری، برو همین دانشکده مهندسی تهران.»

جواد هم وقتی دید مادرش راضی نیست، قید دانشگاه نفت‌رو زد و گفت: «من عاشق رشته مهندسی نفتم و دوست دارم برم آبادان. مطمئنم اگه نرم آینده‌ام خراب میشه ولی چون مادر راضی نیستن نمیرم هر چی ایشون بگن، همون کارو میکنم.»

اینو که گفت دل مادرش نرم شد و دیگه مخالفت نکرد.

(شهید محمدجواد تندگویان)

دخترانه

دخترک مترو

مبینا برای ظهر کلاس داشت و باید هرچه زودتر راه می‌افتاد تا به موقع سر کلاس حاضر باشد. به خصوص که استاد عجیب به حضور و غیاب و تأخیر بچه‌ها حساس بود. پله‌های مترو را دوتا یکی طی می‌کرد، به واگن بانوان که رسید بالاخره با کلی سلام و صلوات داخل رفت و به یاد حرف‌های فرناز که در این وقت‌ها و از اینکه با وجود آن همه فشار جمعیت هنوز زنده مانده‌اند باید خدا را شکر کرد، در دل می‌خندید که دختر کنار دستی رشته افکارش را پاره کرد.

-ببخشید چادر از کجا میشه خرید؟

-امممم از مغازه‌های اطراف حرم شاه‌عبدالعظیم... از فروشگاه‌های حجاب از بازار قم...

دخترک بدون اینکه از او توضیحی خواسته باشد ادامه داد: -چادرو خیلی دوس دارم میخوام چادر سر کردنو شروع کنم. چادر سنتی خودمونو دوس دارم، شکیل‌تر و سنگین‌تره. خیلی قبل‌تر چنین تصمیمی داشتم اما یه بار از دختری چادری چیزی دیدم و از چادر متنفر شدم.

وسط حرف دختر پرید: -اگه بدی هَس از ما آدماس، حساب خدا و دینش رو از تمام آدم‌ها و خوبی‌ها و بدی‌هاشون جدا کن. میشه من از یه مانتویی چیز بدی ببینم و از تمام مانتوییا متنفر شم؟

-نه بی‌ظرفیتی خود آدماس و بیشعوریشون.

از رک‌گویی دختره خنده‌اش گرفت.

-فکر میکنی رشته تحصیلی من چی باشه؟

-امممم نمیدونم؟ چی؟

-معماری.

دخترک شگفت‌زده گفت: خدایی سختت نیست؟

-قطعاً وقتی وسایلم زیاده سختی داره حفظ چادر و فرز و سریع بودن، اما چون دوستش دارم سختی‌هاش رو به جون میخرم.

دخترک تشکر کرد و پیاده شد و چند ایستگاه بعد هم خودش با ورود به دانشگاه فکرش به صحبت‌های داخل مترو بود که روی شانه‌اش احساس سنگینی کرد، فرناز از گردنش آویزان شده بود؛ قیافه‌ای جدی و نیمچه عصبانی به خودش گرفت.

-صدبار بهت نگفتم جلوی مرد نامحرم از گردنم آویزون نشو؟

فرناز با لبخند و شیطنت دستش را از دور گردنش باز کرد و با خنده گفت: آخ ببخشید یادم نبود.

به محض ورودشان به کلاس وقتی کلاس را خالی از نامحرم دیدند یک نگاه شیطنتانه بینشان رد و بدل شد و این‌بار دونفری هر دو از گردن هم آویزان شدند و به شوخی به سر و کله هم می‌زدند. به محض شنیدن سروصدای نزدیک شدن پسرها دوباره دست از گردن هم برداشتند و خانومانه روی دوصندلی کنار هم جا گرفتند. استاد هم چند دقیقه بعد وارد و مشغول حضور و غیاب شد.

فرناز را دوست داشت هرچند از لحاظ ظاهری مثل او چادری نبود اما دختری باحیا، سنگین و خوش قلب بود.

باز یاد دخترک مترو افتاد. زیر لب زمزمه کرد خدایا هر سه تای ما را حفظ کن و مشغول گوش کردن به حرف‌های استاد شد.